سرمقاله

ضرورت انتخابات و تأخیر نامعلوم آن از سوی حکومت

حفیظ الله ذکی

نظام سیاسیی که پس از توافقنامه بن در افغانستان شکل گرفت، نظام جمهوری است که بر ارزش های دموکراتیک مبتنی می باشد. اصل عدالت، مشارکت همه اقوام و اقشار اجتماعی، تکثرگرایی، حقوق شهروندی و قانونمندی از مسایل مهم در شکل گیری، استواری و مشروعیت این نظام به شمار می آید.

آزادی رسانه ها، فعالیت احزاب سیاسی، جامعه مدنی و برگزاری انتخابات از موضوعاتی است که نمی توان آنها را در نظام دموکراتیک نادیده گرفت. اصولا دموکراسی بدون قانون، احزاب سیاسی، رسانه های آزاد و انتخابات معنا و مفهومی پیدا نمی کند. چرا که در نظام دموکراتیک اصل حاکمیت از آن مردم است که توسط نمایندگان آنها اعمال می شود. این نمایندگان از طریق انتخابات مشخص می شود. تا زمانی که انتخابات برگزار نشود، نمایندگان مردم معلوم نمی شود و تا وقتی که نمایندگان مردم تعیین نشود، حاکمیت مردمی تمثیل نمی گردد. چنانچه حاکمیت مردم تمثیل نگردد، دموکراسی معنا و مفهومش را از دست می دهد.

رعایت قوانین، اصول و ارزش های دموکراسی در همه نظام های دموکراتیک ضروری می باشد؛ اما این ضرورت در کشورهای

پس از جنگ تا چند برابر افزایش می یابد. مردم افغانستان علاوه براین که بیشتر از دو و نیم دهه جنگ داخلی را سپری کرده، قرن های دیگر را در سایه حاکمیت های استبدادی زیست نموده است. در این نظام ها، اغلب مردم از ابتدایی ترین حقوق شهروندی خود محروم بودند و فضای تبعیض، بی عدالتی و بی مسؤلیتی بر تمام ابعاد زندگی مردم ساری و جاری بود. نفاق و خصومت های قومی مسیر هر نوع تعامل مثبت را بسته بود. از اینرو مردم نسبت به روندهای سیاسی تاهنوز با دیده شک و بی اعتمادی می نگرند و هر رویداد را جدا از ارزیابی های رسمی تجزیه و تحلیل می کنند. بی تفاوتی در تطبیق قانون و ارزش های دموکراسی می تواند زمینه افزایش بی اعتمادی را در جامعه فراهم سازد.

وقتی خود دستگاه حاکم قانون اساسی را نقض کند و بزرگترین و محوری ترین اصل قانونی را نادیده بگیرد؛ دیگر چیزی با قی نمی ماند، تا اطاعت و فرمانبرداری شهروندان را از دستگاه حکومتی توجیه نماید؟ علاوه بر آن وقتی که حکومت از انجام اصلی ترین وظایف و مسؤلیت های خود در قبال شهروندان عاجز باشد، چگونه می تواند امیدوار باشد که حمایت ها و پشتوانه های مردمی از حکومت دوام پیدا کرده و مشروعیت مردمی نظام همچنان حفظ می گردد. بنابراین حکومت مکلفیت دارد که پس از ختم دوره نمایندگی بر مبنای جدول زمانی که در قوانین در نظر گرفته شده است، انتخابات سراسری را در کشور برگزار نماید.

در حال حاضر دوره قانونی نمایندگان مجلس سپری شده است. در ماه سرطان امسال کرسی های پارلمان بایستی به نمایندگان جدید واگذار می گردید؛ اما به دلایل کمبود بودجه، اشکال در قوانین و بخصوص اختلاف در ساختار کمیسیون های انتخاباتی، انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی به تأخیر افتاد و رییس جمهور طی فرمان تقنینی دوره کاری مجلس فعلی را تا مدت نامعلومی تمدید کرد. این گونه اعمال فرا قانونی که متأسفانه در اثر تکرار، به یک رویه از سوی حکومت تبدیل شده است، نوعی انارشیسم اداری و قانونی را در کشور پدید آورده و به باور مردم نسبت به صداقت مقامات حکومتی به شدت لطمه زده است.

از طرف دیگر برگزاری انتخابات در شرایط کنونی که گروه های تروریستی، امنیت بسیاری از ولایت ها را به خطر انداخته و حاکمیت دولت را در مناطق وسیعی از کشور به چالش کشانیده، نمی تواند رضایت مردم را از نتایج انتخابات به دنبال داشته باشد. تجربه تلخ و ناکام انتخابات ریاست جمهوری درس عبرتی است برای حکومت، مسؤلان انتخاباتی و مردم که این بار فرصت ها و سرمایه های مردم را در پای انتخابات متقلبانه و ناسالم به هدر ندهند. توان و خسارت ناشی از انتخابات ناکام، مردم را مجبور کرده، تا تأخیر در انتخابات پارلمانی را بپذیرند. اما حکومت باید روشن کند که این وضعیت نامطلوب سیاسی تاکی باید دوام کند؟ آیا اراده ای برای پایان آن وجود دارد؟

ترور و پناهجویی

محمدرفیع محمودیان/ منبع: رادیو زمانه/ قسمت اول

اهمیت و بسامد کاربردی که دو مقولهٔ تروریسم و پناهجویی در رسانه‌های همگانی و مباحث عمومی یافته‌اند نشان از چرخشی در سیاست دارد. سیاست بیش از پیش وجهی حسی-نمایشی یافته و این باعث تغییر نگرش به بسیاری از پدیده‌های اجتماعی و سیاسی شده است. پدیده‌ها یا جنبه هایی از آنها که احساسات و شور انسانها را بر می‌انگیزند بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته‌اند. سیاست حسی-نمایشی سیاستی است که شور عاطفی، هیجان و نگرانی را در گسترهٔ رویدادهای اجتماعی می‌جوید. هر آنچه که می‌تواند بر انگیزندهٔ احساسات و دغدغهٔ آدمی باشد برای آن مهم بشمار می‌آید. سیاست حسی-نمایشی در تلاقی دموکراسی مدرن نمایندگی با حضور انبوهٔ توده‌های برخوردار از حق رأی در عرصهٔ عمومی، سرمایه داری هر چه بیشتر متمرکز بر مصرف گرایی، قدرت گیری رسانه‌های همگانی و جهانی شدن شکل گرفته است. این سیاست از آن دورانی است که جهان در گستردگی خود عرصهٔ زندگی انسانها شده است و مصرف بیش از تولید، احساسات بیش از عقلانیت، حس بیش از فهم و رسانه‌ها بیش از رابطهٔ فردی انسانها را به جهان و یکدیگر وصل می‌کند. مهمتر از هر چیز برای انسانها امروز نمایشی است که در خانه، محل کار، خیابانها و میدانهای شهر، فروشگاه‌ها و در رسانه‌ها به نمایش در می‌آید. در این فضا، سازماندهی عرصه‌های فعالیت، بسیج نیرو و هماهنگی نیروها بر مبنای تحریک، جذب و سازماندهی احساسات انجام می‌گیرد.

تروریست و پناهجو، امروز، چهره‌های بارز و ثابت اخبار، تحلیلهای سیاسی و موضع گیری‌های سیاسی هستند. همه جا از آنها سخن گفته می‌شود و کمتر کسی با آنها آشنایی ندارد. ما البته با تصویری که از آنها ارائه می‌شود آشنا هستیم و نه آنچه که آنها در خود هستند. شاید برخی پژوهشگران درک دقیق تر و همه جانبه‌ای از آنها داشته باشند ولی در چارچوب زندگی روزمره، ما کمتر آشنایی ای با چنین درکی پیدا می‌کنیم. اکنون سالهاست که بحث جدی، جدلی و تحلیلی دربارهٔ این دو پدیده نداشته ایم. حتی کسانی مانند رهبر جدید حزب کارگر جرمی کوربین و نخست وزیران کشورهای اروپای شرقی برای طرح نظریاتی متفاوت با دیدگاه "همگانی" سرزنش شده‌اند.

برای ما، توده‌های مردم، تروریست و پناهجو همان کسانی هستند که شب و روز رسانه ها، سیاستمداران و کارشناسان (امور سیاسی) از آنها سخن می‌گویند. تصویری که از آنها ارائه می‌شود تصویری بسیار حسی و ایدئولوژیک است. تصویری است که درست شده تا ما را نه فقط متأثر سازد بلکه به واکنش فکری و عملی سیاسی ایدئولوژیک معینی بر انگیزد. توطئه‌ای اینجا در کار نیست. کسی نمی‌خواهد به عمد ما را گول زند. این ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه است که چنین تصویری را بر می‌سازد. ولی این تصویر دارای چه ویژگی‌ها و چه خاستگاهی است؟ نوشته حاضر به کند و کاو در این باره اختصاص دارد.

یکی دشمن، دیگری دوست

در غرب و بسیاری از نقاط دیگرجهان، تروریسم و پناهجویی معیار تفکیک و بازشناسی به عبارت فیلسوف آلمانی کارل اشمیت دشمن و دوست است. امر سیاسی و کنش و انگیزه سیاسی استوار بر مبنای تمایز بین دشمن و دوست است. تروریستها امروز خطرناکترین دشمن انسانیت و نظم حاکم بر زندگی انسانها بشمار می‌آیند. آنها کسانی هستند که بیش از آنکه بخواهند نظمی دیگرگونه بر پای دارند خواهان ویرانی و خونریزی هستند. آنها حتی آنگاه که از بدیل و نظم مطلوب خود سخن می‌گویند بری از هرگونه عقلانیت و مدنیت هستند. ولی مشکل بیش از آنکه بدیل آنها باشد، شیوهٔ کار و روش وحشیانهٔ آنها برای دست یابی به قدرت است. آنها تهدیدی جدی برای دستاوردهای اصلی تمدن بشری هستند. برای نابودی آنها باید تمام نیروی دولت و جامعه بسیج شود. به این خاطر، آنگونه که کسانی همانند الدن و اگنیو در پژوهشهای خود درباره حاکمیت بر قلمرو در دوران معاصر بدان اشاره کرده اند، برخی دیدگاه‌های سنتی (مدرن) سیاسی کنار گذاشته شده‌اند. قوام دولت ملی و حرمت مرزهای آن دیگر امور مهمی نیستند. برای سرکوب تروریستها می‌توان در کشوری دیگر حضور یافت و مستقیما با آنها جنگید. همهٔ دولتها موظف هستند با تروریستها مبارزه کنند و اگر دولتی چه به علت دیدگاه هایش و چه به علت ضعف یا فروپاشی از عهده آن کار بر نمی‌آید، قدرتهای جهانی اجازه دارند در خاک آن حضور یابند و تروریستها را نابود سازند. در برخورد با تروریستها ثبات و امنیت و در آن رابطه سرکوب هر نوع عامل اغتشاش اهمیت پیدا می‌کند.

در نقطهٔ مقابل تروریست، پناهجو قرار دارد. پناهجو دوست به شمار می‌آید. او آواره‌ای است که آمده تا در جایی امن پناه بجوید. به سان موجودی آواره، ناتوان و بی خانمان او سرپناهی می‌جوید. او چیزی برای عرضه جز نیاز و خواهش ندارد. وجود او مظهر بی خطری یک کنش است. به این خاطر وجود و کنش او تهی از بار ارزشی است. ولی چون کنش او در زمینهٔ پناهجویی نشان از یک انتخاب و پناهجویی در سرزمینی معین دارد او یک دوست بشمار می‌آید. با کنش خود، او تأئیدی می‌گذارد بر ارزش و مقام والاتر سرزمین بدان پا نهاده. پذیرش او در سرزمین جدید (کشور میزبان) نیز نشان از آن دارد که او یک دوست ارزیابی شده است. در برخورد با او مهمان نوازی و جهانشمولیت حقوق اهمیت پیدا می‌کند.

با برقراری این نظام ارزشی، دولت و نظم حاکم برای خود مشروعیت می‌آفرینند. مبارزه با تروریسم فقط در خود مشروع نیست، بلکه مشروعیت آفرین است. دولتی که با نیرویی وحشی، ضد عقلانی و ضد انسانی می‌جنگد خود به خود دولتی مشروع جلوه کند. با این مشروعیت، دولت می‌تواند هر کاری انجام دهد. مخارج نظامی خود را، حتی به بهای کاهش خدمات عمومی، افزایش دهد؛ مخالفین را شکنجه کند؛ و قوانین پیشتر وضع شدهٔ حقوقی را زیر پا نهد - درست همان چیزی که در آمریکای اوایل قرن بیست و یکم رخ دارد. تروریست خود دشمنی و جنگ را دامن زده و آنکه که با او در می‌افتد، صرفنظر از آنکه کار خود را چگونه انجام می‌دهد، درستترین و عقلانی‌ترین کار را انجام می‌دهد.پناهجویی نیز در همان حد و حدود مشروعیت آفرین است. پناهجو خود با پناهجویی خود نشان داده که برای سرپناهی که بدان روی آورده ارزش قائل است. او در گریز از جنگ، فقر و ستم به جایی پناه آورده که گمان می‌کند امکان یک زندگی متفاوت را برای او فراهم می‌آورد. دولت-کشور پذیرای پناهجو نیز با اقدام خود نشان می‌دهد که رهیافتی سخاوتمندانه و مهربانانه را در برخورد با بیگانگی آواره برگزیده است. دوستی اینجا نه نشان از دوستی (پیشتر شکل گرفته) که نشان از نیاز به دوستی و سخاوت در دوستی دارد. یکی نیاز به دوستی دارد و دیگری آنرا فقط از سر سخاوت ارائه می‌دهد. نکتهٔ مهمی که در رابطه با تمایز دشمن و دوست باید به آن اشاره شود و در تکمیل نظریهٔ اشمیت ابراز داشت آن است که تعیین دشمن، همانگونه که سارتر نشان داده اهمیت بیشتری از یافتن دوست دارد.

پناهجویان و زنده گی در کمپهای مرگ

حسین بهمن — قسمت دوم و پایانی

وضعیت نا مناسب پناهجویان در کمپهای استرالیا طی سالهای اخیر با اعتراضات گسترده در سطح جهانی نیز روبرو شده است. نهادهای مدافع حقوق بشر و حقوق پناهجویان بارها طی سالهای گذشته از حکومت استرالیا خواسته است که وضعیت زنده گی پناهجویان را در داخل کمپها بهبود بخشد. اوایل سال جاری حتی کمیسیون حقوق بشر استرالیا نیز از وضعیت پناهجویان در کمپهای استرالیا به شدت انتقاد کرد. این کمیسیون با انتقاد شدید از حکومت استرالیا با نشر گزارشی گفت که کودکان در کمپهای که ازسوی حکومت استرالیا ساخته شده اند در وضعیت بدی بسر میبرندو انسان حتی با مشکلات روحی روانی روبرو شده اند.

در گزارش کمیسیون حقوق بشر استرالیا که به پارلمان این کشور نیز ارائه شد امده بود که هیچ توجیهی برای نگهداری کودکان درکمپ های استرالیا وجود ندارد ونگهداری اجباری وطولانی مدت کودکان درین کمپها نقض حقوق بشر است. این گزارش طی مدت ده ما از یازده مرکز نگهداری پناهجویان تهیه شده بود. درین گزارش امده بود که کودکانی پناهجویانی که در کمپهای استرالیا نگهداری میشوند بدلیل شرایط نامناسب که درکمپها حاکم است عمدتا دچار مشکلات روحی وجسمی شده اند. درین گزارش مشخص شده بود که دستکم دوصدوسی وسه کودک مورد خشونت قرار گرفته ، یکصدوبیست وهشت کودک دست به خود ازاری زده و بیست وهفت کودک دیگر نیز از خودن غذا خود داری کرده اند. درین گزارش همچنین امده بود که دستکم سی وپنج درصد از کودکانی که در کمپ های نگهداری پناهجویان در استرالیا هستند از مشکلات روحی روانی رنج میبرند. حکومت استرالیا این گزارش را بموقع رد کرده بود.

سازمان عفو بین الملل نیز بارها در مورد وضعیت پناهجویان در کمپهای استرالیا ابراز نگرانی کرده است. این سازمان بارها با انتشار گزارشهای رسمی در مورد وضعیت زنده گی پناهجویان از حکومت استرالیا خواسته که روند بررسی درخواست های پناهجویان را تسریع بخشد.

از سویی هم در تازه ترین مورد بیش از صد کشور جهان نسبت به پالیسی مهاجرتی استرالیا در یک نشست رسمی اعتراض کردند. به گزارش روزنامه گاردین درین نشست اشتراک کننده ها که از صد وده کشور جهان حضور داشتند نسبت به پالیسی حکومت استرالیا در قبال پناهجویان و اوضاع کمپهای نگهداری پناهجویان شدیدا ابراز نگرانی کردند. نماینده کشور اندونیزیا درین نشست از حکومت استرالیا خواست تا تضمین کند که موضوع پناهندگان و پناهجویان، مطابق با اصول کشور اندونیزیا و مقررات حقوق بشری در استرالیا حل و فصل شود. درین نشست هند خواستار آن شد که استرالیا قوانین بازداشت اجباری خود را بازنگری کند و مطمئن شود که پناهجویان به کشوری بازگردانده نمی شوند که در آن پیگرد خواهند شد. تاکید کشور ترکیه نیز درین نشست این بود که استرالیا باید فورا اخراج پناهجویان به کشور سوم را متوقف کند.

با این همه حکومت استرالیا هرچند برخی از انتقادات را نسبت به وضعیت موجود در کمپهای پناهجویان وارد میداند اما با انهم حکومت این کشور میگوید که تلاشهای را بخاطر بهبود وضعیت کمپها روی دست میگرد ولی در کل پالیسی این کشور در قبال پناهجویان تغییر نا پذیر است. تونی ابوت نخست وزیر قبلی استرالیا به تازه گی اعلام کرده است که حتی کشورهای اروپایی نیز با الگو پذیری از استرالیا میتواند مرزهای خود را به روی پناهجویان غیرقانونی مسدود کند. تونی ابوت که خود طراح سختگیرترین پالیسی علیه پناهجویان غیرقانونی بود گفت که اگر کشورهای اروپایی با پناهجویان مدارا کنند هرگز موفق نخواهند شد که از ورود سیل اسای پناهجویان به اروپا جلوگیری کنند. هرچند کشورهای اروپایی که این روزها با بحران پناهجویان به شدت دست درگریبان است تا اکنون به این پیشنهاد تونی ابوت واکنشی نشان نداده است اما اقای ابوت تاکید میکند که اتخاذ پالیسی نظیر انچه در استرالیا روی دست گرفته شد تنها راهی است که میتواند به بحران پناهجویان در اروپا پایان دهد.

مالکوم ترنبول نخست وزیر کنونی استرالیا نیز معتقد است که سیاست های تونی ابوت در قبال پناهجویان غیرقانونی یکی از موثرترین شیوه ها برای جلوگیری از ورود پناهجویان غیرقانونی به این کشور بوده است. وی پس از انکه به عنوان نخست وزیر استرالیا سوگند یاد کرد تعهد سپرد که به هیچ صورت در قبال پناهجویان غیرقانونی انعطاف پذیری نشان نخواهد داد.

گذشته از ینها این کشور حتی در صدد است که کشورهای دیگری را در اسیا ترغیب کند که پناهجویانی را که در کمپهای استرالیا به سر میبرند درکشورهای شان بپذیرند. به تازه گی این کشور پیشنهادی را به فلیپین ارائه کرد و ازین کشور خواست که به تعدادی محدودی از پناهجویانی که در حال حاضر در کمپهای استرالیا به سر میبرند را بپذیرد. هرچند حکومت فلیپین این پیشنهاد را نپذیرفته است اما مقامات استرالیاندابراز امیدواری کرده ا که به این ترتیب بتوانند کمپهای که مملوست از پناهجویان را به مرور زمانی خالی کنند.

این کشور همچنین به تازه گی قرقیزستان را در لیست کشورهای اسکان مجدد مهاجران غیرقانونی و پناهندگان کشورهای مختلف از جمله افغانستان قرار داد. اوایل هفته گذشته دولت استرالیا اعلام کرد قرقیزستان نیز مانند فیلیپین و کامبوج در لیست کشورهایی است که کانبرا برای انتقال مهاجران غیرقانونی در نظر گرفته، اما مذاکراتی با بیشکک انجام نداده است.

رسانه های استرالیایی نیز گزارش کرده اند که کشورهای آسیای میانه در فهرست استرالیا برای انتقال پناهجویان هزاره افغانستان که در حال حاضر در کمپ های نارو و مانوس نگهداری می شوند، در نظر گرفته شده اند. تمام مشکلات داخل کمپها ازیک طرف و پالیسی سختگیرانه حکومت استرالیا در قبال پناهجویان از سوی دیگر باعث شده است که پناهجویان راهی به جز خودکشی در پیش رو نداشته باشند.

این در حالیست که پناهجویانی که در حال حاضر در کمپهای استرالیا به سر میبرند روزگاری به هدف یافتن زنده گی بهتر و رسیدن به شهرهای ارزوهای شان رخت سفر بسته بودند اما روزگار سرنوشت انان را به کمپهای رقم زد که در بسا موارد راهی به جز خودکشی برای انان باقی نمانده است. پناهجویانی که دارو ندار شانرا فروخته و هیچ چیزی در افغانستان برای شان باقی نگذاشته اکنون نه راه برگشت دارند و نه هم میتوانند که در کمپهای که محل زنده گی نیست تاب بیاورند. به نظر میرسد اگر وضعیت به همین صورت ادامه یابد در اینده های نه چندان دور گراف خودکشی پناهجویان در کمپهای استرالیا به صورت بی سابقه ی بالا خواهد رفت.

کارتون روز

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN

□صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
□مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
□سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
□ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
□دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
□مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
□آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔافغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com